

پیام رهبر انقلاب به مناسبت هفته نیروی انتظامی

اقتدار توأم با مهربانی

فرمانده معظم‌کل قوا در پیامی به مناسبت هفته نیروی انتظامی از زحمات و تلاش‌های کارکنان خدوم این نیروقدردانی کردند. به گزارش خبرگزاری صداوسیما؛ متن پیام حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای که به فرمانده نیروی انتظامی ابلاغ شد، به این شرح است:

بسم... الرحمن الرحیم

سردار اشتری؛ سلام من را به همه کارکنان خوب و زحمتکش و خدوم نیروی انتظامی برسانید. مردم عزیز ما قدردان زحمات و تلاش‌های بی‌وقفه خدمتگزاران به خود و کشور هستند و امروز اقتدار و مهربانی را توأمان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران احساس می‌کنند و از ابتکارات ناجادر برخورد با منکرات استقبال می‌کنند. / ۲۹ مهر ۱۳۹۹

روحانی: کم کردن فشار بر اقبال کم‌برخوردار، هدف اصلی دولت است

رئیس‌جمهور تأکید کرد: حفظ سلامت و جان مردم اولویت اول است. دولت تمام توان خود را برای حمایت از سلامت مردم به کار خواهد گرفت و دستگاه‌های مسؤول موظف هستند هماهنگی لازم را در چرخه تولید، پخش و توزیع فراهم کنند تا دسترسی مطمئن و سریع مصرف‌کننده در سراسر کشور حاصل شود.

حسن روحانی در جلسه ستاد هماهنگی اقتصادی، پس از گزارش رئیس‌کل بانک مرکزی و وزرای صنعت، معدن و تجارت و اقتصاد و امور دارایی، از وضعیت اقتصادی کشور در شش ماهه نخست واقدامات برنامه‌ریزی‌شده برای مدیریت بخش پولی، ارزی و تجاری کشور در ماه‌های باقیمانده سال، گذر از شرایط کنونی اقتصادی با هدف کم کردن فشار بر اقبال کم‌برخوردار را به عنوان هدف اصلی دولت امکان‌پذیر دانست.

روحانی گفت: در شرایط خاص کنونی، استفاده از ظرفیت‌ها و وساز و کارهای اقتصادی کشور و اتخاذ تدابیر ویژه برای تامین کالا‌های اساسی مردم و مواد اولیه کارخانجات و مقابله با تحریم‌های ظالمانه دشمن که به قصد فلج کردن تولید و اقتصاد وضع شده‌اند، از اولویت‌های برنامه اقتصادی دولت است. رئیس‌جمهور تمهیدات لازم در حوزه سیاست‌های تجاری کشور، تامین منابع لازم برای ادامه طرح‌های عمرانی کشور با فروش سهام، دارایی‌های مازاد دولت و اوراق، اصلاح قانون مالیات‌ها، مدیریت نقدینگی برای کاهش نرخ تورم و جهت‌گیری به سمت تولید را از دیگر راهبردهای اقتصادی دولت برشمرد. روحانی ضمن اشاره به دیگر برنامه‌های دولت برای برقراری ثبات در بازار ارز و کالا و کنترل گرانی افزود: اولویت‌بندی واردات متناسب با جریان درآمدی ارزی و اتخاذ تدابیر ویژه در خصوص ارز حاصل از صادرات برای نیل‌های تولیدی و وارداتی کشور بر اساس تجارب ماه‌های اخیر از جمله اقدامات مهم دولت در حوزه سیاست‌های ارزی و کالایی کشور است.

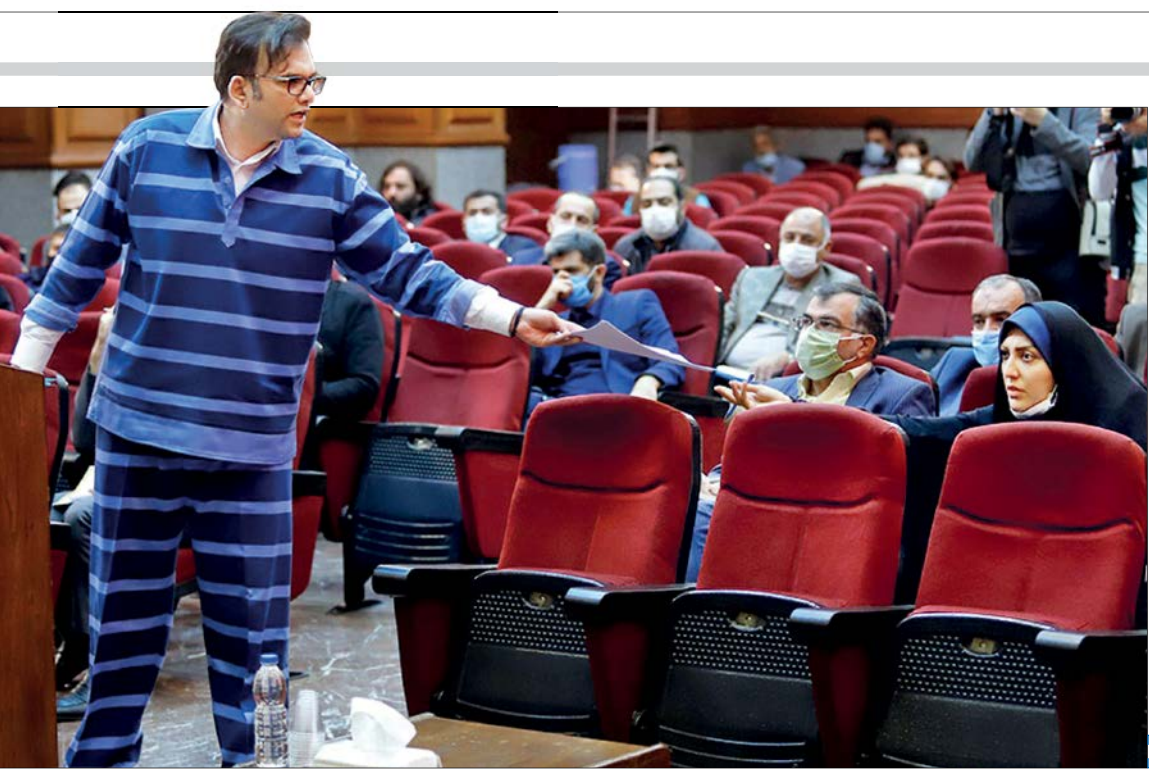
آغاز رزمایش مدافعان آسمان ولایت ۹۹

فرمانده رزمایش تخصصی پدافند هوایی مدافعان آسمان ولایت ۹۹ گفت: این رزمایش در منطقه‌ای به وسعت بیش از نیمی از کشور، به‌صورت مشترک بین ارتش و سپاه با هدایت و کنترل عملیاتی قرارگاه پدافند هوایی کشور از امروز آغاز می‌شود. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی ارتش، سرتیپ قادر رحیم زاده اظهار کرد: در این رزمایش که در قالب یک عملیات مشترک شبکه‌محور و باهدف هماهنگی پدافند هوایی نیروهای مسلح برگزار خواهد شد، انواع سامانه‌های بومی موشکی، راداری، اطلاعات شناسایی، جنگ الکترونیک، سامانه‌های ارتباطی و شبکه دیدبانی بصری ارتش و سپاه تحت هدایت و کنترل عملیاتی قرارگاه پدافند هوایی کشور و با نظارت مستقیم کارشناسان و ارزیابان قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیاء(ص)، مقابله با انواع تهدیدات هوایی در ارتفاع پایین، متوسط، بلند و اهداف دورایستا را در شرایط کاملاً عملیاتی و مبتنی بر صحنه رزم واقعی تمرین خواهند کرد. رحیم زاده خاطرنشان کرد: در این رزمایش، نیروی هوایی ارتش با به پرواز درآوردن انواع هواپیمای شکاری رهگیر، بمب‌افکن و بدون سرنشین در دو نقش نیروی حمله‌ور و مدافع، به‌عنوان دست بلند پدافند هوایی کشور در آسمان ایفای نقش خواهد کرد.



استیضاح روحانی منتفی شد

احمد امیرآبادی فراهانی، عضو هیات‌رئیس مجلس با اشاره به اخباری مبنی بر تلاش برخی نمایندگان برای به جریان انداختن طرح استیضاح رئیس‌جمهور گفت: در مجلس به این نتیجه رسیده‌ایم که استیضاح انجام نشود. به گزارش فارس، امیرآبادی فراهانی در برنامه تهران ۲۰ که از شبکه پنجم پخش شد، اظهار کرد: مجلس با مصلحت‌اندیشی به



حاشیه‌نگاری ششمین جلسه دادگاه محمد امامی که یک صبح و عصر کاملاً متفاوت داشت

دونده سفیدپوست در دوی مارا تن

«امامی مثل یک دونده مارا تن سفید پوسته که وسط‌های کار خسته می‌شه!» این جمله از دهان یکی از حاضران در دادگاه بیرون آمد، یعنی در جایی که سپاهپوست‌ها معمولاً ده نفر اول هستند، یک سفیدپوست می‌آید و همان اول، وسط آن همه آدم، توی شلوغی اول مسابقات دوی مارا تن می‌درخشد و بعد انرژی‌اش تحلیل می‌رود و دم غروب یک نفر دیگر از خط پایان عبور می‌کند! این دقیقاً اتفاقی است که در جلسات دادگاه محمد امامی می‌افتد، می‌آید، می‌درخشد، متقاعدتان می‌کند، بعد کم‌کم دو به شک می‌شوید که سفید و سپاه داستان کدام‌اند، بعد به آهستگی نظرتان برمی‌گردد و متهم امامی که برق چشم‌هایش خاموش شده دوباره به زندان برمی‌گردد.



مرتضی درخشان

روزنامه‌نگار

داستان کدام‌اند، بعد به آهستگی نظرتان برمی‌گردد و متهم امامی که برق چشم‌هایش خاموش شده دوباره به زندان برمی‌گردد.

هکتور یا آشیل، مساله این است

یکی از تفاوت‌های ادبیات امروز با دوران کلاسیک این است که در خیلی لحظات، سفید و سپاه با هم قاطی شده، آن‌قدر که شما نمی‌توانید مثل قدیم در همان پلان اول عاشق یک کاراکتر شوید و تا وقتی تیتراژ پایانی ظاهر می‌شود، عاشق همان کاراکتر بمانید، ما حتی آخر بازی نمی‌دانیم کدام کفه ترازو سنگین‌تر شده که ما هم همان‌طرفی غش کنیم. همین فیلم‌تروی که بارخوانی جدید همان داستان قدیمی اودیسه است، همان داستان اسب تروا و رویارویی آشیل سفید و هکتور سپاه که ده سال قبل، ولفگانگ پترسن آن را اقتباس کرد، شما طرفدار کدام یکی هستید؟ هکتور یا آشیل؟! اریک بانا یا برد پیت؟! کارگردان‌ها آنچنان شما را گرفتار می‌کنند که برای دوست داشتن هرکدام از دو طرف این قدر دلیل دارید که دست‌آخر مرد از مقابل پرده سینما بلند می‌شوید.

حکایت من در دادگاه محمد امامی هم همین است، یا نه، به عبارت دیگر حکایت مردم تهران است که صبح، درود بر مصدق می‌گفتند و بعد ازظهر حسابی از خجالتش درمی‌آمدند. نه این‌که یکی از طرفین دعوا مصدق باشد و طرف مقابل پهلوی، اصلاً منظوری برای تظاهر یا تقبیح کسی ندارم، در نوبت صبح دادگاه آن‌قدر امامی خوب است که دلت می‌سوزد، آن‌قدر که ممکن است زنده‌با امامی هم بگویید! در نوبت بعد ازظهر اما تمام دیواری که با کلمات ساخته بود و آجر به آجر بالا می‌رفت جلوی چشم‌هایت فرو می‌ریزد.

شاید فکر کنید این خاصیت دادگاه‌های دو نوبتی باشد، یعنی هر کسی که صحبت می‌کند، برنده است. اما واقعیت این است که به نظر می‌رسد تیم دفاع امامی برای بعد ازظهر هیچ تاکتیکی ندارد، مثل تیم ملی ایتالیای دیه‌گو پوزو آتقید را انگیزه توی زمین می‌روند که انگار می‌خواهند ورزشگاه را تسخیر کنند، اما نیمه دوم دادگاه همیشه مثل بارسلونای ستی‌نین است، جوری بی‌انگیزه و بی‌برنامه که هشت گل از مونیخ‌ها می‌خورند و برمی‌گردند.

همان‌طور که پیش از این هم گفتیم ما در این مدل گزارش‌نیتی برای بررسی پرونده نداریم، صحبت‌های ما ناظر به وقایع دادگاه است و تا آنجا که امکان داشته باشد، به جزئیات و محتوای پرونده ورود نخواهیم کرد، محتویات حقوقی و کیفری پرونده را قطعاً می‌توانید در منابع دیگر پیدا کنید، البته این به جلساتی مربوط می‌شود که رسانه‌ای باشد. خلاصه این‌که جلسه شروع شد، آن‌هم در حالی که رسانه‌ای‌ها سعی داشتند بی‌سر و صدا از متهمان ردیف‌های پایین‌تر، شرح جلسه قبلی دادگاه که پشت درهای بسته برگزار شده بود را بگیرند. آقا جلیل، اما خط فاصله بزرگی بین متهمان و رسانه‌ها انداخته بود، پیرمردی که برای رعایت پروتکل‌های بهداشتی و البته دیسپلین جلسه،

دولت کمک می‌کند تا به راحتی به خردادماه سال آینده یعنی پایان مهلت قانونی برسد، چراکه هدف مجلس کمک به دولت برای سهولت در ادامه کار خود است، اکنون شرایط به گونه‌ای است که اگر مجلس یک یا دو وزیر دیگر از دولت را استیضاح کند، دولت مستقر سقوط خواهد کرد و امکان این‌که وزرا و رئیس‌جمهور را به راحتی استیضاح

دولت کمک می‌کند تا به راحتی به خردادماه سال آینده یعنی پایان مهلت قانونی برسد، چراکه هدف مجلس کمک به دولت برای سهولت در ادامه کار خود است، اکنون شرایط به گونه‌ای است که اگر مجلس یک یا دو وزیر دیگر از دولت را استیضاح کند، دولت مستقر سقوط خواهد کرد و امکان این‌که وزرا و رئیس‌جمهور را به راحتی استیضاح

قصد سقوط نظام را داشته‌اند، همکاری و همیاری داشته‌است؟ قابل توجه آن‌که در تصویب این طرح ایرادات زیادی گرفته می‌شود...»
بلافاصله صحبت‌های طولانی اما با هدف گرفتن اصل قانون دنبال شد، به نظر می‌رسید تاکتیک جدید کریمی‌فارسی حمله به اصالت اتهام است تا پرونده متهم! یعنی تصور کنید شخصی به خاطر رانندگی از سمت چپ خیابان، توسط مامور راهنمایی و رانندگی بازخواست می‌شود و متخلف به جای این‌که بگوید خط‌کشی معلوم نبوده یا ندیده یا هرچیز دیگری، این تشکیک را ایجاد کند که اصلاً رانندگی از سمت راست خیابان کار درستی است یا نه!

دقت کنید، منظور ما از مثال بالا این نیست که بگوییم محمد امامی حتماً متخلف است، نه! منظور ما این است که در حرف‌های کریمی‌فارسی به نظر می‌رسید که نوع و اصالت دادرسی در حال زیر سوال رفتن است، آقای وکیل مدافع داشت با مجری قانون در خصوص قانون صحبت می‌کرد، نه درخصوص محتویات پرونده!

هرچند، انسجام صحبت‌ها و افعات تأثیرگذار بود و اگر اجرای امامی را داشت، می‌شد روی لایحه او هم یک ستاره طلایی گذاشت؛ «در این میان مهم آن است که بسیاری از نمایندگان قائل به این بودند که نباید در چنین قانون مهمی که نتیجه‌اش سلب حیات یا حبس‌های سنگین است، زندگی انسان‌ها را در ید یک قاضی بگذاریم! چون قاضی انسان است و نمی‌توان اشتباه را از وی به‌دور دانست. جهت اطلاع افکار عمومی و اصحاب رسانه و همکاران ارجمند و تشریک مساعی خدمت شما عرض می‌نامیم، در روند مذاکرات و مشروح آن نوعی ترس و واهمه از سوءبرداشت‌ها و تفساسیر اشتباه از این واژه‌ها تا زمان تصویب نهایی گریبان نمایندگان دوره سوم مجلس شورای اسلامی را گرفته بود و اینجانب به عنوان یک حقوق‌خوان متوجه نشدم چه اتفاقی افتاد که این نکته مهم در تصویب این طرح مغفول مانده است، نکته‌ای که امروز یکی از مباحث مورد ایراد این قانون است... بنابراین در مقام سکوت و قانون و وجود ابهام، هم‌اکنون شما قضات ارجمند می‌بایست ابتدائاً از مجلس شورای اسلامی تقاضای تفسیر می‌نمودید، که متأسفانه نه‌تنها این استفسار انجام نپذیرفته است، بلکه بعد از ۳۰ سال و وجود این همه آرای متعارض از دیوان عالی کشور نیز که نقش نظارتی والایی دارد، استفاده ننموده‌اید و جلوی این تعارض احکام را نگرفته‌اید ... چرا به صراحت از مجلس نمی‌پرسید آیا اخذ تسهیلات بانکی مشمول این قانون می‌شود؟ آیا اساساً اخذ تسهیلات باعث می‌شود نظام اقتصادی کشور مختل شود و شرایط تحقق آن چیست؟!» البته وی در بخشی از صحبت‌های خود به قاضی اشاراتی کرد و از او پرسید برای حفظ کرسی این‌طور قضات می‌کنند که قاضی داد جایگاه اصلی او بالاتر از اینجایی است که فعلاً حضور دارد.

۵ دقیقه صحبت، اما قاضی مثل دفعات قبلی یک جمله در پاسخ گفت: «آقای وکیل، به جای حاشیه رفتن دفاع ماهیتی از پرونده کنید.»

مردی که زیادی می‌دانست

اسد... مسعودی مقام مثل یک کاراکتر نامرئی در یک سریال معمایی است، مثلاً تصور کنید شما یک فیلم سینمایی می‌بینید که یک بازیگر طراز اول، در همان پلان‌های ابتدایی از جلوی دوربین عبور می‌کند و در باقی داستان خبر خاصی از او نیست، اما خیلی ساده لوحانه است که تصور کنیم او سیاهی لشکر این بازی است، او قرار است یک جایی یک نقش تکان‌دهنده ایفا کند، مثل داستین هافمن در فیلم پیام‌آور اثر لوک بسون!

بسیار آرام است، از تکرار کردن یک جمله به هیچ‌عنوان خسته نمی‌شود، صدایی رادیویی دارد و با این‌که در بالاترین جای جلسه نشسته است، خیلی سر و صدا ندارد و جلب توجه نمی‌کند، آن



بود، امامی و وکیل مدافعش، خسته و بی‌حوصله بدون این‌که به قاضی نگاه کنند، دفاع را به جلسه بعد موکول کردند، سپس امامی بدون برق چشم از جلسه بیرون رفت، شاید فکر کردن به این‌که دوباره باید به زندان برگردد، از همه حرف‌های دادگاه خسته‌کننده‌تر باشد.

هم در حضور ستاره‌هایی مثل متهم و نماینده دادستان که به تنهایی هرکدام برای جذب تعداد زیادی مخاطب کافی هستند، اما مسعودی مقام به تنهایی کاراکتر است!



از تنش‌های بی‌مورد به شدت پرهیز می‌کند و مشخصاً وقتی عصبانی می‌شود به طرف مقابلش نگاه نمی‌کند، به یک جایی در حوالی سقف سالن خیره می‌شود. به نظر می‌رسد برخلاف نظر وکیل مدافع همه‌چیز را خوانده و اشراف کامل دارد، آرام می‌نشیند و فقط بعضی وقت‌ها اطلاعاتش را رو می‌کند. مثل مجاری تماس تلفنی امامی از زندان به بیرون که البته فقط در حد یک اشاره بود و ورود زیادی به آن نداشت.

چیزی که همه را در مورد این قاضی «پوکرفیس» به یک نقطه می‌رساند؛ بار علمی بالاست، هیچ‌کس در مورد این مساله شکی ندارد و بارها درخصوص قضات‌های این قاضی ۵۲ ساله تأکید شده که حتی متهمان هم از احکام او راضی هستند. هرچند، ضمن اذعان به این مساله در این پرونده بارها امامی و وکیل مدافعش به عدالت مسعودی مقام حمله کرده‌اند.

این بار هم متهم امامی یک متن مفصل (البته نه به اندازه متن قبلی) به صحن آورد و قرائت کرد، قاضی اما در انتهای متن باترفندهای مخصوص به خودش او را دوباره مثل جلسات قبلی وارد محتوا کرد، دقت کنید، وقتی کار عجیب قاضی معلوم می‌شود که در جلسه علنی قبلی همین محمد امامی گفته بود قصد ندارد از خودش دفاع کند. اما کاغذ بود که بین او، وکیل و برخی افراد که در جایگاه متهم نشسته بودند، رد و بدل می‌شد و قاضی بعضی‌ها را از بیخ رد می‌کرد و بعضی‌ها را برای بررسی بیشتر می‌گرفت. این وسط هم یکی دو بار بین قهرمانی و امامی کاغذهایی رد و بدل شد که همچنان حکایت از یک مبارزه دو نفره بود.

آشنایی زدایی

امامی به جرات می‌تواند شما را در دادگاه متقاعد کند که بی‌گناه است، طوری که در نیمه راه از خودتان می‌پرسید این آدم و این حرف‌ها؟! مردی با لباس آبی راه‌راه که برهان و دلیل می‌آورد که پوشیدن این پیراهن ابی به خواست خودش بوده و می‌توانست الان خاوری دوم باشد، البته در قرارا ولی خودش برگشته!

اما همه اینها تا وقتی است که او و وکیلش متکلم وحده هستند و البته این زمان هم تقریباً بخش عمده‌ای از دادگاه است! در مقابل قهرمانی که مدارکش را یکی یکی رومی‌کند، چهره امامی در چشم شما تغییر می‌کند. شما همان امامی را می‌بینید، اما طور دیگری می‌شناسید! به هم می‌ریزد و همین باعث می‌شود یک متهم مظلوم به یک حاضر جواب تبدیل شود که عکس‌العمل‌هایش برای دادگاه و حاضران دلچسب نیست. همان کسی که در تنفس بین دو دادگاه بین خواهرانش می‌رود و یک مرد خانواده دوست و صمیمی را در آذهان تداعی می‌کند که خیلی از حاضران شاید از همین الان در ذهن‌شان بیست سی سال برایش بریده باشند. البته این بی‌ربط به رفتار قهرمانی هم نیست، قهرمانی از کوره درمی‌رود و اسناد زیادی رومی‌کند، اسنادی که اشاره به آنها از حوصله متن خارج است، فقط همین‌قدر بداندید که یک پوشه دستش می‌گیرد که شبیه کامدادگی است و هر سندی که قاضی می‌خواهد، توی آن پیدا می‌شود. چیزی که در مورد طرف دیگر صدق نمی‌کند! قهرمانی شیرین صحبت می‌کند، صدای خاصی دارد و نمی‌شود از روی قیافه‌اش ذهن خوانی کرد. همه اینها باعث می‌شود بعد ازظهر‌ها که سکان کشتی از دست امامی به دست قهرمانی می‌افتد، روحیه ترحم و تظلم خواهی جای خودش را به عدالتخواهی و حق طلبی بدهد.

مثلاً قهرمانی در صحبت‌هایش از بازیگران سینما گفت، اما از آنها دفاع کرد! قهرمانی برخلاف انتظار می‌گفت سینما هرچه باشد تا حالا پول کثیف نداشته، این پول‌ها سینما را کثیف کرده و آنها که گرفته‌اند، نمی‌دانستند چه مقصودی از هزینه کردن این پول‌ها وجود دارد! قهرمانی دانسته یا نادانسته آشنایی زدایی می‌کند و همین جرقه‌ای است که توی سر من مخاطب می‌ماند! مثل این‌که شما انتظار ندارید متهمی بیاید و از عدالت قاضی تعریف کند! کاری که متهم امامی بعضی اوقات انجام می‌دهد.